

در دیزی بازا است حیای گربه کجاست

افسانه خاکپور

پنجشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۴ آوریل ۲۰۱۱

دری باز یا نیمه باز.

دری که هرکس میتواند از آن وارد شده، از فضای دمکراتیک و مزایای آن مثل آزادی عقیده و بیان، امنیت جانی و مالی، آسایش و آرامش و انتخاب نوع زندگی برخوردار و در مقابل اعمال و رفتار خود نیز پاسخگوی جامعه باشد.

در دیزی دمکراسی کشورهای غربی گرچه بروی سیل اصلاح طلبان تازه از راه رسیده در خارج از کشور بدون محدودیت، بی هیچ پرسش و پاسخ و گفت و شنید دمکراتیک گشوده گشت، اما بخشی از همین جماعت در گوشه‌های خود را بروی گفتمان دمکراتیک محکم بسته و حاضر به کشیدن پنبه یکسویه نگری و فرصت طلبی از گوشه‌های خود نیستند.

بخشی از آنان نشان دادند که تاب تحمل حرکت یا نظری که در چارچوب انحصار طلبانه آنها نباشد را نداشته و حتی آنرا با روش‌های مختلف سانسور میکنند.

بعضی از این "ازما بهتران" با وجود اقامت اهدایی دول غربی و دریافت مزایایی که توجیه آن آسان نیست، قصد آموختن اندکی مدارا از میزبانان خود را نیز ندارند.

این تازه از راه رسیده‌ها که لزوم رعایت اصول دمکراتیک یعنی احترام به نظر، پرسش و انتقاد برای دیگران را نه تنها باور نداشته بلکه در رسانه‌ها، سایتها و اجتماعات خود در خارج از کشور آنرا مکرراً و بوضوح نقض و حذف میکنند.

کسانی که سالها در فضای بسته خانوادگی یا دیکتاتوری اجتماعی پرورش یافته و با فرهنگ عبودیت و تقدس‌سازی اخت گرفته‌اند، نقد را با دشمنی یکی دانسته و پاسخ آنرا با فحاشی، تهدید، اتهام یا تمسخر و تحقیر میدهند.

حال آنکه خود در پیش کشورها و سازمان‌های غربی از کمبود یا نبود آزادی بیان و دمکراسی در کشورشان اشک تمساح می‌ریزند و بی‌امان مینالند.

آری در دمکراسی بروی افکار، فعالیت‌ها و آکسیون‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی غیر تروریستی یا غیرراسیستی؛ باز است به شرط آنکه مخل حقوق و آزادی و حیثیت دیگران و مانع امنیت و آزادیهای عمومی نگردد.

همچنانکه اقلیتی از زنان مسلمان مقیم کشورهای غربی خود را درنقاب سیاه و روبنده کامل پنهان کرده و درپاسخ به مخالفین با ریشخند میگویند این حق دمکراتیک ماست که از دمکراسی غربی اینگونه استفاده کنیم.

اما بعید است که همین خواهران سرتا پا پوشیده اگر قدرتی بدستان بیافتد حق آزادی پوشش و زیست و آزادی اعتقاد یا دین برای دیگران را تحمل کنند.

خلاصه اینکه پس از بحث و گفتگوهای بسیار در بعضی از کشورها از جمله فرانسه قوانینی وضع گردیده تا جلوی سوءاستفاده از دمکراسی را بگیرند.

اینکه این قوانین تا چه حد کارآمد باشند موضوع دیگریست. گمان میرود که برای افراطیون مذهبی استفاده از دمکراسی با خود دمکراسی و ضرورت آن برای همگان یکی نباشد.

چه استفاده از مزایای دمکراسی برای این اقلیت به معنی درک، دریافت، قبول یا احترام به همه اصول و قواعد آن برای همگان نیست. رفتارگره مانند پاره ای از اصلاح طلبان در مورد سوء استفاده از امکانات دمکراتیک در خارج نیز بر همین منوال است.

اینان با بی اعتنایی به اینکه دمکراسی به چنگ آمده در کشورهای دمکراتیک حاصل قرنهای تلاش و کوشش مردمی بوده که آنرا برای بهتر زیستی همگانی جا انداخته و بدان پایبندند، در رسانه های خارجی و داخلی غوطه می خورند و به جای مردم به قدرتها رهنمود میدهند.

با مطلق نگری و نمایندگی خود برگزیده مردم شدن در هر آنچه که مربوط به ایران و سرنوشت همه مردم ایران است بازهم به حد وفور. پیش قراوولی و پس زدن سایر دیدگاهها یا گرایشها به حد سقوط.

نمایندگی مردمی که آنها را برسمیت نمی شناسند در پیشگاه قدرت ها و رسانه های غربی و سازمانهای بین المللی، مشورت نکردن و دخیل ندادن مردم در سرنوشت و آینده خویش.

با دوخاصیت: انحصارطلبی به حد اشباع، انتقاد پذیری به حد هیچ. با زیرپا گذاشتن گرایشها، عقاید یا راه کارهای متفاوت. اما سخنگو یا سروریا رهبر مردم شدن به وفور.

ادعای نمایندگی مردم با نادیده انگاشتن یا وارونه کردن خواست و نظرواقعی همان مردم، با نادیده گرفتن تجربه و نظراحزاب و گروه ها یا افراد مستقل، با بی اعتنایی به دانش و تجربه اجتماعی، سازمانی، حزبی، سندیکایی یا حتی مدنی منجر به بهای سنگینی شد که مردم میپردازند.

بیهوده از طرف مردم، روشنفکران یا زنان ایرانی با قدرتهای خارجی

چانه زنی یا کارچاق کنی، بازهم به حد فضول. با روشها و افکار پوسیده خود پلاس شدن در همه رسانه های ایرانی و خارجی و نهادها، بساط کهنه سخن سرایی پهن کردن و مانع از شنیدن صدای دیگران شدن به حد تهوع.

همه اینها یعنی، یعنی نفی دمکراسی، یعنی پشت پا زدن به حقوق دمکراتیک دیگران و سوء استفاده از دمکراسی.

در یک کلام، این منش ناپسند، خودسرانه و خطرناک فرقه ای، چیزی جز بی احترامی محض به حضور، به آگاهی، به تلاش و به حقوق دیگرانی که مانند آنها فکر نمیکنند یا سیاهی لشکر آنها نمی شوند نیست.

یعنی درها را بروی ناخودیهها بستن و خود را نخود هرآش کردن. خود را محور و منشأ مبارزات مردم و نماینده خواست های آنان دانستن آنهم بدروغ.

این بینش و برخورد مترادف است با نقض مواردی از حقوق بشر ایرانیان در قلب دمکراسی غربی بخصوص در فرانسه بدست بخشی از اصلاح طلبان وهم کیشان آنان.

همه این رفتارها یعنی خطری برای امروز و فردای دمکراتیک ایران. شکی نیست که از گربه مودی نمیتوان انتظار داشت که جا و مکان و حد و حدود خود را بشناسد بی آنکه صاحب دیزی شما شده یا روی دست و پای شما بلمد.

این بعهده صاحب دیزی دمکراسی است که به اینها نشان دهد که جای تبلیغات، اندیشه ها یا رفتارهای تبعیض آمیز، یکسو نگر و واپس گرا در پستوی دمکراسی است و نه در پیشخوان آن.

می بایست به آنها نشان داد که وسعت آزادی اندیشه کجاست، جای دیگران اگر حرفی برای گفتن دارند را به او یاد آوری کرد، باید به آنان گفت جای همه کسانی که سرنوشت ایران برایشان اهمیت دارد را نباید اشغال کرد.

جای هفتاد میلیون ایرانی در ایران و چند میلیون ایرانی در خارج در هر مقام و طبقه، انجمن ها و نمایندگان آنان، جای همه گفتمانها، اندیشه ها، نظرات و کارایی ها را نباید به یک فرد یا به یک گروه و گرایش سپرد. نباید. نمی باید.

می بایست به آنان آموخت که چگونه میتوان بدون نادیده انگاشتن، سرکوب یا حذف دیگران به همزیستی سازنده، مسالمت آمیز و مستمر رسید. اگر دلتان براستی برای ایران می سوزد.

یازده آوریل دو هزار و یازده